



نوآوری و ابداع نظریات جدید رمز برتری امام(ره) بر علمای عصر خود

امام خمینی(ره) نه تنها در تالیفات بلکه در گفتار و پیام نیز اهل نوآوری و ابداع بودند برای همین از علمای عصر خویش بسیار جلوتر بودند.

امام خمینی(ره) نه تنها در تالیفات بلکه در گفتار و پیام نیز اهل نوآوری و ابداع بودند برای همین از علمای عصر خویش بسیار جلوتر بودند.

خبرگزاری مهر - گروه دین و آیین-فاطمه علی آبادی: اندیشه حضرت امام، همچون راه روشن و صراط مستقیمی است که باید در آن وارد شد و بدون وقفه حرکت کرد. حفظ و استمرار انقلاب اسلامی، جز در سایه شناخت صحیح و عمیق منظومه فکری حضرت امام و سپس تبعیت از آن، میسر نخواهد بود. مقام معظم رهبری در این باره چنین می گویند: «ارادت مردم به امام بزرگوار، به معنی پذیرش مکتب امام به عنوان راه روشن و خط روشن حرکت عمومی و همگانی ملت ایران است؛ یک راهنمای نظری و عملی است که کشور و ملت را به عزت و پیشرفت و عدالت می رساند. در طول این سال ها، عملاً هم همین بوده است؛ یعنی هر جا ما توفیق پیدا کردیم که به توصیه های امام جامه عمل بپوشانیم، هر جا توانستیم خط انگشت اشاره امام را دنبال کنیم، توفیقات فراوانی نصیب ما شد. مردم با این چشم، به راه امام و خط امام و میراث ماندگار امام نگاه می کنند». برای بررسی سیر تالیفاتی امام خمینی (ره) با حجت الاسلام والمسلمین عبدالحسین خسروپناه معاون علوم انسانی و هنر سازمان مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی به گفتگو نشستیم که در ادامه می خوانید:

نوآوری و ابداع نظریات جدید رمز برتری امام(ره) بر علمای عصر خود

*سیر تألیفی امام از چه مسائلی آغاز می شود؟

حضرت امام نزد اساتیدی چون مرحوم شیخ عبدالکریم حائری یزدی و مرحوم آیت الله محمدعلی شاه آبادی و برخی بزرگان دیگر تحصیل کردند و همچنین شاگردان بسیاری در حوزه فقه و فلسفه در محضر ایشان تربیت شدند که مهمترین شاگردان فلسفی حضرت امام مرحوم شیخ عبدالکریم حق شناس و دکتر مهدی حائری نام داشتند و دو شخصیت دیگر که نزد ایشان فلسفه خواندند آیت الله حسین علی منتظری و آیت الله شهید مطهری بودند. زمانی هم که مباحث فقهی را آغاز کردند شاگردان بسیاری در کرسی درس فقه ایشان تربیت شدند.

امام از علمای معاصر مانند مرحوم شیخ حسن مدرس و مرحوم محمد علی شاه آبادی بسیار تأثیر پذیرفتند و از متفکران گذشته نیز می توان گفت حضرت امام از ملاصدرا و ابن عربی در مباحث فلسفی و عرفانی تأثیر می گرفتند.

نخستین کتاب هایی که حضرت امام تألیف کردند کتاب های عرفانی بوده است و سپس ایشان اقدام به تألیف کتاب های فلسفی می کنند؛ برای مثال کتاب شرح دعای سحر از کتاب های متقدم امام به شمار می رود و همچنین کتاب های مصباح الهدایه الی الخلافه والولایه، تعلیقه علی شرح فصوص الحکم، تعلیقه علی مصباح الانس و یا سر الصلاة توسط بنیانگذار کبیر انقلاب تألیف شده است؛ کتاب کشف الاسرار را نیز بعدها نوشتند اما قلمی که امام داشتند عمده در حوزه مباحث عرفانی و فلسفی بوده است.

حضرت امام در زمینه مباحث فقهی نیز تالیفات بسیاری داشتند. از کتاب هایی که شخصاً خود حضرت امام نوشتند می توان به کتاب های انوار الهدایه فی التعلیقه علی کفایه، مناهج وصول علی علم الاصول، تحریر الوسیله، بیع و ... اشاره کرد که در حوزه مباحث فقهی به قلم تحریر درآوردند؛ بنابراین امام خمینی علاوه بر کتاب های عرفانی در حوزه فقه و اصول نیز با قلم خویش تالیفاتی داشتند.

برخی از فقها هستند که با قلم خودشان هیچ کتابی ندارند و عمدتاً مقررین، درس آن فقها را تقریر و به صورت کتاب منتشر کرده اند در حالی که حضرت امام علاوه بر اینکه خودشان با قلم خود کتاب عرفانی، فلسفی، فقهی و اصولی می نوشتند شاگردان بسیاری نیز درس های ایشان را تقریر می کردند.

*در زمینه فقه و اخلاقیات آثار ایشان را چگونه ارزیابی می کنید؟ آیا ایشان به ارتباط فقه و عرفان معتقد بودند؟

امام در آثار عرفانی خویش تنها شارح نیست و در شرح دعای سحر، شرح حدیث جنود عقل و جهل و آداب الصلاه کاملاً این امر مشخص است، برای مثال حضرت امام کتابی با عنوان تعلیقات علی شرح فصوص الحکم و مصباح الانس دارند که می بینیم ایشان در خیلی از بخش ها این عربی را نقد می کنند و این نشان می دهد که امام به هیچ عنوان مقلد نیستند و خود به عنوان عارف و فقیه مباحث و نظریات عرفانی را بحث و بررسی می کنند، در کتب فقهی نیز رویه امام به همین صورت است.

برای مثال حضرت امام رساله های مختلفی مانند رساله استصحاب، رساله تعادل و ترجیح، رساله طلب و اراده و ... دارند و این نشان می دهد که حضرت امام در مباحث اصولی و فقهی نوآوری دارند و نظریه پردازی می کنند و به هیچ وجه نگاه مقلدانه ندارند. برای مثال در حوزه اصول در کتاب انوار الهدایه فی التعلیقه علی کفایه جلد دوم صفحه ۲۱۳ به بعد، در کتاب معتمدالاصول جلد یک صفحه ۱۲۹ به بعد و در کتاب مناہج الوصول علی علم الاصول جلد دو صفحه ۲۳ حضرت امام نظریه ای را با عنوان خطابات قانونیه مطرح می کنند که یک نظریه ابداعی و ابتکاری است.

مرحوم آیت الله مصطفی خمینی کتابی به عنوان تقریرات فی الاصول دارد که در جلد ۲ صفحه ۴۵۰ به بعد می گوید: «قسم به جانم اگر کسی عناد را کنار بگذارد و با چشم انصاف تدبیر کند نمی تواند این بارقه ملکوتیه «نظرات خطابات قانونیه» را کنار بگذارد؛ نظریه ای که بسیاری از معضلات و مشکلات را حل می کند، این نظریه قاعده ای است که از ابتدای فقه تا آخر آن مفید است.» این سخن بسیار مهمی است که در باب اهمیت این نظریه بیان می شود.

یکی از علت این بود که امام مکاتب و ایدئولوژی های جدید را مطالعه می کردند، بنده بعضی از مباحثاتی که از در تالیفات و آثار امام دیدم برایم محرز شد که حضرت امام نظریه سیاسی هابز و جان لاک را مطالعه کرده است

امام خمینی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی که به ایران آمدند دیگر فعالیت های تألیفی نداشتند و بیشتر سخنرانی و پیام داشتند اما در همان پیام و سخنرانی ها نیز می بینیم که اهل نوآوری بودند برای مثال در آن زمان یک جریان چپ و راست وجود داشت به گونه ای که جریان چپ بر فقه پویا و بر احکام ثانویه و حکومتی تأکید داشتند و جریان راست بر فقه سنتی و احکام اولیه تأکید می کردند در حالی که امام فرمودند فقه ما فقه جواهری است یعنی فقه سنتی را قبول داریم اما باید به عنصر زمان و مکان نیز توجه شود بنابراین به احکام اولیه، ثانویه و حکومتی تأکید داشتند.

این عنصر زمان و مکان باعث شد حضرت امام نوآوری های بسیاری در حوزه مباحث فقهی داشته باشند از این رو می توان گفت امام در مباحث فقهی و عرفانی اهل نوآوری بودند. اما اینکه گفته شود بین فقه و عرفان ایشان رابطه ای وجود داشت به عقیده بنده رابطه ای وجود ندارد مثلاً به این معنا که گفته شود امام عرفان را شرط اجتهاد می داند؛ بنده موافق این سخن نیستم و فکر نمی کنم امام این را شرط بدانند زیرا عرفان دانشی مجزای دانش فقه است و اینکه شرط اجتهاد و نظریه پردازی در اجتهاد فقهی و عرفانی باشد لاقلاً برای بنده چنین شرطی در تالیفات و آثار حضرت امام احراز نشده است.

*امام چه نوآوری هایی در آثار و افکار خویش داشتند؟

فرض کنید امام وقتی مساله ولی فقیه را مطرح می کنند، جایگاه مردم را در حکومت داری و جمهوری اسلامی را مطرح می کنند، می بینیم که این نظریه کاملاً ناظر بر نیازهای جامعه است در حالی که فقهای آن زمان مسائل سنتی طهارت، صلات، صوم و ... را مطرح می کردند. البته امام در خصوص این مباحث نیز بحث داشتند اما درباره مسائل جدید، کاربردی، ساختاری و حکمرانی نیز نوآوری داشتند به گونه ای که نمی توان حضرت امام را با هیچکدام از علمای آن زمان و حتی برخی از علمای این زمان مقایسه کرد؛ ایشان از زمان خودشان بسیار جلوتر بودند.

*دلیل اینکه امام از زمان خودش جلوتر بود، چیست؟

یکی از علت این بود که امام مکاتب و ایدئولوژی های جدید را مطالعه می کردند، بنده بعضی از مباحثاتی که از در تالیفات و آثار امام دیدم برایم محرز شد که حضرت امام نظریه سیاسی هابز و جان لاک را مطالعه کرده است البته نامی از آنها نمی بردند و زمانی که می فرمودند ولایت مطلقه؛ تأکید داشتند که مقصود ما آن چیزی نیست که در غرب مطرح است؛ و این کلام امام کاملاً مشخص است که در نقد هابز مطرح می شود. امام مکاتب و ایدئولوژی جدید را مطالعه می کردند و عالم به زمانه بودند.

یا برای مثال کتاب های منافقین که متعلق به سازمان مجاهدین بود را مطالعه می کردند و آثار دکتر علی شریعتی را مطالعه کرده بودند و به صورت کامل نسبت به جریان های مختلف و اندیشه آنان شناخت داشتند.

*جوانانی که می خواهند کتاب های امام را مطالعه کنند کدام یک را توصیه می کنید؟

به عقیده بنده دیوان شعر امام را جوانان حتماً مطالعه کنند و همچنین از کتاب اربعین حدیث که کتابی آموزنده و سازنده است غفلت نکنند چرا که حضرت امام در این کتاب سلوک عملیه را کاملاً آموزش می دهند. کتاب دیگری نیز حضرت امام دارند که با عنوان جهاد اکبر و مبارزه با نفس است که برای همگان بخصوص جوانان بسیار مفید است و از دیگر کتب می توان به کتاب لقاءالله، آداب الصلاه، شرح دعای سحر و شرح حدیث عقل و جهل اشاره کرد این کتاب ها برای رشد و خودسازی بسیار مفید هستند.

خاطرم هست زمانی که نوجوان و جوان بودم مکرر از امام می شنیدم که خطاب به جوانان توصیه می کردند اهل خودسازی و تهذیب نفس باشند و می فرمودند اگر تا زمانی که جوان هستید خودسازی نداشته باشید چنانچه سنتان برود بالا دیگر این خودسازی سخت و دشوار خواهد بود؛ اهمیت این کلام بنیانگذار کبیر انقلاب را بنده زمانی بهتر درک کردم که سن و سالی از من گذشت بنابراین انسان اگر در دوره جوانی خودسازی داشته باشد راحت تر می تواند در دوران کهنسالی خود را از معصیت حفظ کند.

برای مثال دلیل منحرف شدن برخی افراد که در دوران دفاع مقدس بارها خواستند جان خویش را تقدیم انقلاب کنند اما امروز با پذیرفتن مسؤولیت های کلان به فسادمالی و اختلاس مبتلا شدند، عدم خودسازی در دوران جوانی است. انسان اگر سال ها هم برای انقلاب تلاش کند ولی خودسازی نداشته باشد منحرف می شود زیرا خودسازی به عنوان جهاد اکبر مقدم بر جهاد اصغر است.